



بررسی ایده‌های فورتی در شب بخارا

«شب کلمات و بناها» از سلسله‌شبه‌های بخارا به مناسبت انتشار کتاب «کلمات و بناها»، نوشته ایدرین فورتی، امروز در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. این کتاب را هدیه نوریخش به فارسی ترجمه و انتشارات روزنه به بازار عرضه کرده است. در «شب کلمات و بناها» قرار است پژوهش‌های جامع فورتی درباره نسبت زبان و معماری مدرن بررسی شود. در این مراسم، نیلوفر رضوی، زهره تقضی، افشین فرزین، هدیه نوریخش و علی دهباشی به سخنرانی خواهند پرداخت. ایدرین فورتی، استادبازنشسته دانشکده معماری یارتلت و پژوهشگر هنر و فلسفه، در کتاب خود بر پیوند معماری با زبان، فرهنگ و جامعه تأکید دارد و نقدی بر تمرکز صرف بر نقش معماران ارائه می‌دهد. «شب کلمات و بناها» از ساعت ۱۷ در سالن استاد شهناز خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.



رقابت روزنامه‌نگاران در جایزه چراغ حقیقت

دبیرخانه چهارمین دوره جایزه روزنامه‌نگاری «چراغ حقیقت»، آمار شرکت‌کنندگان در بخش‌های مختلف این رویداد را اعلام کرد. مطابق اطلاعات منتشرشده در چهارمین دوره جایزه، حدود ۱۹۰ روزنامه‌نگار از تهران و ۱۶ شهر دیگر کشور با ارسال مجموعاً ۴۹۵ اثر در رقابت شرکت کرده‌اند که نسبت به دوره‌های گذشته رشد زیادی را نشان می‌دهد. در میان شرکت‌کنندگان، ۷۰ نفر چهار اثر فرستاده‌اند و عمدتاً در بخش ویژه حضور داشته‌اند. بخش ویژه شامل: «جنگ ۱۲ روزه»، «روزنامه‌نگاری تحقیقی» و «راستی‌آزمایی اخبار» در این دوره با استقبال چشمگیر روزنامه‌نگاران روبه‌رو شده و بیشترین آثار رسالی را به خود اختصاص داد. جایزه «چراغ حقیقت» با هدف پاسداشت ارزش‌های اصیل روزنامه‌نگاری، تقویت استقلال حرفه‌ای و زنده نگه‌داشتن روح حقیقت‌جویی به‌همت انجمن روزنامه‌نگاران استان تهران برگزار می‌شود. در این دوره، روزنامه‌نگاران در ۱۰ بخش اصلی رقابت کرده‌اند. مراسم پایانی جایزه در فصل پاییز ۱۴۰۴ برگزار خواهد شد.



ترس شرکت‌های توزیع از «صدای هند رجب»

فیلم «صدای هند رجب» ساخته کلوتر بن هانیا، هنوز موفق به یافتن توزیع‌کننده در آمریکا نشده است و رسانه‌ها نوشته‌اند که احتمالاً به‌صورت خودتوزیع منتشر شود. «صدای هند رجب» برنده جایزه هیئت‌داوران جشنواره ونیز ۲۰۲۵ شده و چهره‌های شناخته‌شده‌ای مانند برد پیت و واکین فینیکس از تولیدکنندگان آن هستند. این فیلم قتل فجیع یک دختر پنج‌ساله در غزه را با استفاده از ضبط‌های صوتی واقعی بازسازی کرده و نماینده رسمی تونس برای اسکار بهترین فیلم بین‌المللی است. «ددالین» گزارش داده که مذاکرات تهیه‌کنندگان با استودیوهای آمریکایی و بین‌المللی به‌دلیل «ترس» یا مخالفت با سیاست‌های فیلم متوقف شده است. تهیه‌کنندگان فیلم در حال برنامه‌ریزی برای خودتوزیع هستند و احتمالاً بودجه‌ای برای تبلیغات و نمایش مستقیم به مخاطبان فراهم خواهند کرد. سال گذشته نیز فیلم مستند «جز این سرزمین، جایی نیست» که آن هم مضمونی مشابه دربارۀ مقاومت فلسطینی‌ها داشت، با همین معضل روبه‌رو شد اما در نهایت برنده جایزه اسکار بهترین فیلم مستند را برای چهار کارگردانش به‌ارمغان آورد.



عکس: آرش خاموشی/هم‌میهن

مرز باریك وحدت و یکسان‌سازی

گفت‌وگو با **یاسر میردامادی** پژوهشگر فلسفه دین و الهیات درباره انسجام و وحدت ملی از منظری متفاوت

جوهر عرفان ایرانی-اسلامی، به‌ویژه در آثار بزرگانی چون مولانا، حافظ و عطار، بر «وحدت در کثرت» استوار است. عرفان به ما می‌آموزد که از پوسته‌ها و ظواهر دینی عبور کنیم و به حقیقتی مشترک برسیم که در همگی انسان‌ها متجلی است. این نگاه، قابلیت عظیمی برای ایجاد همبستگی عمیق انسانی و رای تفاوت‌های مذهبی، قومی و سیاسی دارد. عرفان می‌تواند به ما بیاموزد که «دیگری» آینه‌ی ماست، نه دشمن ما (المؤمن مرآة المؤمن). این نگاه می‌تواند بنیاد اخلاقی محکمی برای پذیرش کثرت و شفقت در واحد دولت-ملت مدرن باشد.

اما مشکل زمانی آغاز می‌شود که تجربه‌ی زیسته‌ی دینی-عارفانه به ایدئولوژی بسته‌ی دولتی تبدیل شود و برای توجیه ساختارهای قدرت به کار گرفته شود. در این صورت، عرفان از ابزاری برای رهایی به وسیله‌ای برای سرکوب بدل می‌شود. بنابراین، بله، می‌توان از دل تجربه‌های دینی و عرفانی، الهام‌بخش‌ترین مفاهیم را برای انسجام ملی استخراج کرد، اما این امر باید در کنار بنیادهای عقلانی و فرادینی قرارداد اجتماعی مدرن (مانند حقوق شهروندی و حاکمیت قانون) قرار گیرد، نه در تقابل با یا بی‌اعتنا به آن.

اگر «دشمن» عنصر وحدت‌آفرین است، پس در دوران صلح/آتش‌بس چه کنیم؟

هیچ کشوری خالی از دشمن نیست؛ به‌ویژه کشوری مستقل و سلطه‌ستیز حتماً دشمنان بسیاری خواهد داشت. درعین حال جامعه‌ای که برای وحدت خود به وجود «دشمن» نیاز دارد، جامعه‌ای بیمار و فاقد اعتماد به نفس ملی است. اتکا به دشمن برای ایجاد انسجام، نوعی فرار به جلو و سرپیشتی گذاشتن بر شکاف‌ها و بی‌عدالتی‌های داخلی است. این وحدتی کاذب، هیجانی و ناپایدار خواهد بود. در دوران صلح/آتش‌بس، چسب اجتماعی باید از امری سلبی (مقابله با دشمن) به امری ایجابی (ساخت آینده) تغییر کند. به‌جای دشمن، پروژه‌ی ملی مشترک باید چسب هویت مشترک اجتماعی باشد. این پروژه می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- **توسعه‌ی اقتصادی و رفع فقر:** نابرابری، دشمن داخلی قدرتمند است و مبارزه با آن هویت‌بخش است.
- **پیشرفت علمی و فناوری:** تلاش مشترک برای قرار گرفتن در مرزهای دانش چسب اجتماعی نیرومندی است.
- **حفاظت از محیط‌زیست:** بحران آب و محیط‌زیست، دشمن مشترک همه‌ی ماست.
- **تعالی فرهنگی و هنری:** خلق آثار هنری و علمی‌ای که بازتاب‌دهنده‌ی روح زمانه‌ی ما و مایه‌ی افتخار جمعی باشد، به‌ویژه ایرانیّت ما در آن نمایان باشد، می‌تواند تاروپود هویت جمعی ما را شکل دهد.

آیا مفهوم انسجام ملی، در بستری سکولار، الزامی به ایدئولوژی دارد؟

من به دلایلی که جای بسط آن این‌جا نیست، از کاربرد مفهوم «سکولار» پرهیز می‌کنم. این مقدار بگویم که این مفهوم چنان پیچیده و گرانبار است که رهن است، بیش از آن که رهگشا باشد. به‌جای آن، تعبیر سلبی اما کمتر مبهم «فرادینی» را به کار می‌برم و البته منظورم فراتر از دین نهادینه‌شده‌ی انحصارگرای سیاسی است، نه لزوماً و رای دین به‌طور کل. با حفظ این مقدمه در پاسخ به پرسش شما می‌گویم که انسجام ملی، چه در بستر فرادینی و چه در بستر دینی، همواره نیاز به «کلان‌روایت» دارد یا به تعبیر دیگر، نیاز به «افق معنایی مشترک» دارد. این افق معنایی لزوماً از جنس ایدئولوژی جزمی نیست، گرچه باید افزود که از ایدئولوژی سراسر رهایی نداریم؛ زیرا ایدئولوژی لزوماً بار منفی ندارد. از ایدئولوژی به‌معنای «کلان‌روایت معنابخش» گریزی نیست.

در یک جامعه‌ی فرادینی و متکثر، تلاش برای تحمیل یک ایدئولوژی جزمی (چه دینی، چه غیردینی) به فروپاشی انسجام ملی می‌انجامد. راه‌حل، جایگزین کردن ایدئولوژی جزم‌اندیشانه با «ميثاق ملی» است. این میثاق بر سر مجموعه‌ای از اصول بنیادین شکل می‌گیرد؛ قانون اساسی (و اجرای بدون تناسل آن)، حقوق شهروندی، حفظ تمامیت ارضی، منافع ملی، ارزش‌های دموکراتیک و توسعه‌گرایی.

در چنین بستری، «حقیقت» در انحصار یک گروه نیست. حقیقت، محصول گفت‌وگو، توافق و هم‌زیستی روایت‌های گوناگون در چارچوب میثاق ملی است. انسجام ملی نه از طریق تحمیل یک قرائت، بلکه از طریق تعهد همگانی به قواعد بازی و احترام به تنوع دیدگاه‌ها حاصل می‌شود. این همان ایده‌ی «میهن‌پرستی مشروطه‌گرا» (Constitutional Patriotism) است که در آن وفاداری، به خون یا ایدئولوژی تعلق نمی‌گیرد، بلکه به قانون اساسی و مجموعه‌ای از ارزش‌های دموکراتیک در واحد دولت-ملت تعلیق می‌گیرد.

در تجربه‌ی دینی و عرفانی، جایی برای وحدت ملی وجود دارد؟

وحدت ملی مفهومی مدرن است گرچه کشورهایی با تمدن کهن مثل ایران، بسا پیش از دوران مدرن، حس ملی داشتند. در بستر دولت-ملت مدرن تجربه‌های دینی-عرفانی می‌توانند با وحدت ملی سازگار شوند، اما باید میان جوهر عرفان و قرائت‌های سیاسی‌شده از دین تمایز قائل شد.

گروه فرهنگ: مفهوم وحدت ملی، به عنوان یکی از ارکان نظری دولت-ملت مدرن، از دهه‌ی پایانی قرن نوزدهم به این‌سو، به‌ویژه در کشورهای پسااستعماری و متنوع قومی-فرهنگی، با چالش‌های نظری و عملی متعددی مواجه بوده است. در ایران نیز، تجربه‌ی تاریخی مدرنیزاسیون از عصر رضاشاهی تا دوره‌ی جمهوری اسلامی، همواره با پروژه‌هایی برای تولید انسجام از بالا همراه بوده؛ پروژه‌هایی که عمدتاً بر محورهایی چون تمرکزگرایی زبانی، دینی و هویتی بنا شده‌اند. این در حالی است که تحولات اجتماعی پس از انقلاب ۱۳۵۷، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، صورت‌بندی‌های تازه‌ای از تکثر، اعتراض و بازتعریف وطن را در ساحت عمومی رقم زده است. در گفت‌وگوی حاضر، یاسر میردامادی، پژوهشگر فلسفه و دین و نویسنده‌ی حوزه‌ی الهیات اجتماعی، با نگاهی میان‌رشته‌ای، به بازخوانی نظریه‌ی وحدت ملی در بستر ایران معاصر می‌پردازد. او با بهره‌گیری از مفاهیم برگرفته از فلسفه‌ی اخلاق، الهیات تطبیقی و نظریه‌ی دولت مدرن، از ایده‌ی «انسجام ملی غیراجباری» دفاع می‌کند: انسجامی که نه بر یکسان‌سازی ایدئولوژیک، بلکه بر نوعی میثاق فراایدئولوژیک، حقوق برابر شهروندی و مشارکت داوطلبانه در سرنوشت سیاسی مشترک استوار است.

آیا وحدت ملی فضیلت اخلاقی است یا ضرورت سیاسی؟

وحدت ملی، در آن واحد، هم ضرورت سیاسی است، هم فضیلت جمعی. تقلیل آن به یکی از این دو، درک ما را از این مفهوم ناقص می‌کند. از منظر سیاسی، وحدت ملی ضرورت بقاست. در دنیای پرتلاطم امروز، جامعه‌ای که فاقد حداقل انسجام درونی باشد، در برابر فشارهای خارجی و بحران‌های داخلی آسیب‌پذیر می‌شود. بدون سطحی از وحدت، دولت-ملت مدرن قادر به حفظ تمامیت ارضی و توسعه نخواهد بود. این واقعیتی مصلحت‌محور و راهبردی است. اما اگر وحدت ملی صرفاً در حد ضرورت سیاسی باقی بماند، به ابزاری شکننده و فرصت‌طلبانه در دست ارباب قدرت بدل می‌شود؛ اینجاست که پای اخلاق اجتماعی به میان می‌آید. وحدت ملی زمانی به فضیلت بدل می‌شود که بر پایه‌ی ارزش‌هایی همچون «عدالت»، «انصاف»، «احترام متقابل» و «تکثرگرایی» بنا شود. انسجام ملی‌ای که از سر ترس یا منفعت شکل گرفته باشد با اولین توفان از هم می‌پاشد؛ اما وحدتی که مبتنی بر تعهد اخلاقی به سرنوشت مشترک و کرامت انسانی تک‌تک شهروندان ایران زمین باشد، ریشه‌های عمیق، پایدار و پرمهری خواهد یافت. بنابراین وحدت ملی ضرورتی سیاسی است که باید با ابزارهای اخلاقی جمعی به آن دست یافت و آن را حفظ کرد. شفافیت کار جمعی، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری همانا فضیلت‌هایی است که این ضرورت سیاسی را انسانی و پایدار می‌کند.

